

# مقصر کیست؟



استثنایی وجود دارد که با توجه به رنجور بودن، همچنان مانده و کار می‌کنند و باید سخنان آنها را با جان و دل شنید؛ اما به قشری که اصلاً کارشان تئاتر نیست و فقط حرف آن را می‌زنند تا تئاتری محسوب شوند، نباید چندان توجه کرد.

● عده‌ای دیگر نمی‌توانند بدون پادو باشند و توقع دارند، جوانان در خدمت آنها باشند. از این رو جوانان به سبب بروز بارقه‌ها و استعدادهایشان بیش از دیگران فعال‌ترند و این موضوع موجب رنجش عده‌ای از مخالفان است.

● این‌که تئاتر مطلوب وجود دارد یا نه، بحث مفصلی می‌طلبد. اول باید دید مطلوب و ایده آل چیست و معیار کدام است. از سویی دیگر ایده آل را چه کسی به وجود می‌آورد؟ بضاعت تئاتر ما فعلاً همین است. دوازدهمین و سیزدهمین جشنواره‌ی تئاتر فجر را با هم قیاس کنید. پیش‌کسوتان کجا رفتند؟ چرا آقای که معتقد است باید ارتباط بین نسل گذشته و حال برقرار شود، در جشنواره حضور پیدا نمی‌کند؟ (۷) یا حداقل در یکی از این مجامع با جوانان جوش نمی‌خورد؟ چرا در برابر تئاتر حساسیت نشان نمی‌دهند؟ چرا بعضی‌ها در عمل، فقط به فکر پول تئاتر هستند و در سخن شعار تئاتر را می‌دهند. آقای سمندریان که می‌گویند تئاتر مرده است، (۸) مگر هم‌اکنون استاد رسمی دانشگاه نیست؟ مگر آموزشگاه خصوصی تئاتر ندارد و به کار تئاتر مشغول نیست؟ مگر فرزندش سال گذشته در هشتمین جشنواره‌ی تئاتر کودک و نوجوان امور تربیتی استان تهران شرکت نکرده است؟ نمی‌دانم اینها تئاتر است یا نه؟ اینها اگر بخشی از ایده آل‌های تئاتر ما نیست، پس چیست؟ خود ما ایده آل‌مان را شکل می‌دهیم و برای این شکل دهی همت و کم‌توقمی نیاز است. البته دولت هم بالطبع نمی‌تواند جوابگوی تمامی نیازها باشد. در همین تهران شاید ۱۰ سالن خوب نمایشی موجود باشد و بدیهی است که این سالن‌ها نمی‌توانند جوابگوی تمامی هنرمندان تئاتر باشند. بضاعت تئاتر، فعلاً همین است!

● اینکه عده‌ای بی‌سواد سرکار هستند و پسرخ تئاتر دولتی را می‌گردانند، نمی‌دانیم چقدر صحت دارد؛ اما این را می‌دانیم که اگر «پیتز پروک» هم رییس تئاتر ایران شود، عده‌ی بی‌شماری، ضد وی برمی‌خیزند و شکواییه، فاکس و ... می‌فرستند و چاپ می‌کنند. سندیکای تئاتر در سال‌های ۵۸ و ۵۹ و اسناد موجود آن (۹) و نظرات علی نصیریان، در فصلنامه‌ی تئاتر (۱۰) و همچنین حرف‌های دکتر «محمود عزیزی» در مقالات بی‌شمارش (۱۱) گواه این است که تعدادی از عناصر روشنفکر و مخالف کنونی جریان تئاتر، در زمان داشتن مسئولیت اجرایی آنها نیز به مخالفت‌های بی‌شمار خود مشغول بوده‌اند. «علی منتظری» فرهیخته‌ی تئاتری کشور، زحمات بی‌شایه‌ای را در تبلور تئاتر ایران متقبل شد، و

۴- چون می‌خواهند خودشان را معترض نشان دهند!  
۵- برای این‌که در تئاتر کشور تبعیض مشاهده می‌کنند.  
۶- برای این‌که تئاتر خارجی فعلاً در ایران جایگاهی ندارد.  
۷- برای این‌که درخصوص تئاتر ایرانی هنوز نتوانسته‌ایم به شکل مشخصی دست پیدا کنیم و ...

● آنهایی که به سیمای تجاری و پول‌دربار روی آورده‌اند، توقع دارند. دولت پول بدهد، سالن در اختیار آنها بگذارد، درخواست و تقاضای کتبی برایشان ارسال کند، پول سیگار و تاکسی تلفنی‌شان را بپردازد، بهترین سالن نمایشی را در اختیارشان قرار دهد تا «حضرات»، نمایشی را کار، یا بازی کنند. یا ...

این عده‌ی رفاه‌طلب، گویا فراموش کرده‌اند، ابتدا چه بوده‌اند و اکنون بیرون گود ایستاده‌اند و گاهی شعاری، پیامی، فاکسی و یا توهین‌نامه‌ای درخصوص تئاتر کشور ارسال و بعضاً چاپ می‌کنند. اگر نمی‌دانند، به خاطرات ثبت‌شده‌شان در مجلات و روزنامه‌ها رجوع کنند و ببینند که چگونه با پای پیاده از کرج تا تهران را به قصد تمرین طی می‌کرده‌اند!

البته مشکل وجود دارد و تمام تئاتری‌ها حق دارند از آن سخن بگویند؛ اما این‌که کسی مثل آقای نصیریان که مورد احترام تمام هنرمندان و هنردوستان است، بعد از سال‌ها مسافرت، از کرد راه نرسیده بگوید: «ما تئاتر نداریم، تئاتر مرده است، دانشجویان تئاتر بی‌سوادند و ...» (۶)، غیرقابل قبول است. ایشان و سایر زعمایی که ادعای پیشکوتی می‌کنند و مدعی‌اند تئاتر مرده است، در کدام یک از سالن‌ها حضور یافته‌اند؟ کدام جشنواره را دیده و سنجیده‌اند؟ البته در این میان

سینه‌تئاتر

# راه حل چیست؟



موفقیت‌ها و اوج‌های بسیاری را برای تئاتر ایران رقم زد؛ در همان ایام (سال‌های ۶۶ تا ۷۰) با مخالفت‌های بسیاری از سوی اپوزیسیون‌های روشنفکر روبه‌رو بود. بعد از رفتن وی و کناره‌گیری از ریاست مرکز هنرهای نمایشی کشور، همان مخالفان، تمجیدکننده‌ی امروز شدند و ... به‌ر حال با توجه به‌مسائل ذکر شده نمی‌توان ضعف‌های مشهود تئاتر کشور را نادیده گرفت. کاستی‌ها دیده و گزارش می‌شوند. البته مسؤولان دولتی تئاتر، خصوصاً مسؤولان مرکز هنرهای نمایشی درخصوص همفکری، مساعدت و همیاری هنرمندان می‌گویند: «ما بارها از افراد مجرب و پیش‌کسوت دعوت کرده‌ایم؛ اما آنها همکاری نمی‌کنند یا توقعات بی‌جا و خاصی دارند و ...»

حال تا چه حد این سخن درست است و چرا تا به‌حال هنرمندان به‌دعوتشان لیبک نگفته‌اند، موضوعی دیگر است که فعلاً بماند.

\* \* \*

## ■ مقصر کیست؟

۱- دولت ۲- هنرمندان ۳- هردو  
در این شکی نیست که دولت و هنرمندان، برای تئاتر تلاش می‌کنند؛ اما سیاستگذاری‌های هردو طرف به‌دلیل یک جانبه بودن، اشتباه است. تئاتر تحت حمایت دولت، بلاهای خود را دارد و تئاتر خصوصی نیز مشکلات خاص خود را.

دولت توقع دارد پولی را که هزینه می‌کند، درجهت اهدافش صرف شود؛ همچنین تئاتر خصوصی نیز به‌خود حق می‌دهد برای درآمد و جبران هزینه‌هایش ساده‌انگار باشد.

اکثریت پیش‌کسوتان ما که عطای تئاتر را به‌لقایش بخشیده‌اند و به‌کار در سینما، تلویزیون و شرکت‌های تجارتي رو آورده‌اند، گهگاهی برای غبارروبی و یا برای آن‌که خود را به‌تئاتر بچسبانند و بگویند ما هنوز تئاتری هستیم و از این جور شعارها (۱) کاری را روی صحنه اجرا می‌کنند؛ اما آن دسته از پیش‌کسوتان تئاتر که تئاتری ماندند، همچنان در انتظار دعوت‌نامه و نوبت اجرا و تقاضای چندمیلیونی مانده‌اند (۱) که با این وصف نوه و نتیجه‌ی آنها نیز نمی‌توانند کاری را روی صحنه ببرند!

«آکوستین» فریاد برمی‌آورد: تئاتر تعطیل! اما مگر تئاتر از تکاپو یازمی‌ایستد؛ ادبیات مه‌دیوالیستی و اجراهایی رمز و رازی و اعجازی (۱۲) روی می‌دهند و نبض تئاتر می‌تپد و هرگز نمی‌ایستد.

با تمام احترامی که برای پیش‌کسوتان تئاتر که تعدادشان هم کم نیست قائلیم، باید بگوییم، متأسفانه خیانت اصلی را این عزیزان در حق تئاتر روا داشته‌اند؛ زیرا:

۱- خود را به‌دلیل شخصی از تئاتر کاملاً منفک کرده‌اند و این ربطی

به‌مسؤولان، دولت و ... ندارد.

۲- چون پولی باد آورده در تئاتر نیافتند، به‌دنبال پول، راهی دیگر را پیش گرفتند.

۳- بدون در نظر گرفتن بضاعت کنونی تئاتر و امکانات موجود، توقعات آنچنانی دارند.

۴- انحصارگر هستند و نمی‌خواهند دیگران را در کنار خود ببینند.

۵- تئاتر را تبدیل به‌میدان خصومت شخصی کرده‌اند.

۶- احترام بگذارند تا احترام ببینند.

۷- ...

دولت نیز به‌جای جذب پیش‌کسوتان تئاتر و کوشش برای رفع مشکلاتشان، در برابر آنان «وضع انفعالی گرفته و بعضاً مسأله را بغرنج‌تر کرده و بدین ترتیب مشکلات دیگری را دامن زده است.

\* \* \*

## ■ راه‌حل چیست؟

۱- برگزاری جلسات متعدد با حضور هنرمندان و مسؤولان درباره‌ی رفع مشکلات تئاتر کشور و رسیدن به‌نتایج مطلوب.

۲- قوت بخشیدن مرکز تئاتر کشور به‌لحاظ سیاستگذاری و قدرت اجرایی.

۳- تشکیل شورایی سیاستگذاری متشکل از مسؤولان دولتی و هنرمندان قدیمی و جوان.

# چه باید کرد؟

۴- دعوت از همه‌ی هنرمندان برای ترویج تئاتر.

۵- دور کردن خصومت‌ها از تئاتر.

۶- اعتماد و قبول داشتن یکدیگر.

۷- کنترل تئاتر کشور، توسط شورای سیاست‌گذاری، که وظایفش شامل حمایت و یکدست کردن روند تئاتر کشور، سامان دادن به جریان‌های مختلف تئاتری، جشنواره‌ها، دانشگاه‌ها و ... می‌باشد. با این وصف سلیقه‌های گوناگون از یک تفکر، منبعث می‌شوند.

۸- توجه به پیشینه و عملکردهای تئاتر و قرام بخشیدن به اقدامات مثبت و صحیح گذشته.

\* \* \*

■ چرا همه به دنبال پول هستند؟

۱- برای تأمین زندگی و رفع مایحتاج روزمره

۲- جهت ایجاد رفاه اجتماعی و ...

۳- تجارت

۴- و ...

علاوه بر تمامی مشکلاتی که در قسمت‌های قبل در مورد تئاتر کشور برشمرديم، «پول» نقشی اساسی‌تر در چگونگی تئاتر داشته است.

پول در اوضاع کنونی، آدم‌های زیادی را به‌خود مشغول کرده است و هنرمندان تئاتر هم از این قاعده مستثنی نیستند و طبعی است که به‌دلایل ذکر شده، صبح تا شب در پی دستیابی به پول، بدونند.

این روزها کمتر آدمی را می‌توان دید که هم‌زمان در دو یا سه جا مشغول به کار نباشد و باز هم هنرمندان از این قاعده مستثنی نیستند.

اوضاع اقتصادی و اجتماعی کشور، همه را به‌دنبال چندرغاز، روانه کرده است و در این اوضاع و احوال، «تئاتر» به‌عنوان یک مقوله‌ی فرهنگی و «اقتصادی» از این بلیه در امان نمانده است. توقع بی‌جایی نیست که یک

تئاتری برای رفع مایحتاج و ... خویش به فکر پول و درآمد حاصله از کارش باشد و این روند خواه یا ناخواه وجود دارد. (۱۳) زمانی که چنین اوضاعی بر

هر مجموعه‌ای (تئاتری یا...) حاکم شود، تشتت و چندگانگی رخ می‌دهد؛ «تمرکز» در امور محوله کم می‌شود و در نتیجه تمامی کارها در سطح می‌ماند.

زمانی که هنرمند تئاتر برای رفع معضل مالی خویش صبح‌ها در اداره مشغول کار باشد و بعد از ظهرها تئاتر کار کند و شب‌ها پشت پاکت فلان

مؤسسه تمبر بکوبد و مشخصات فلان ذی‌حساب و ... را درج کند؛ عملاً در تمامی اوقات درگیر کار است. برای چنین فردی، دیگر «تنفس» و آرامش و

از همه مهمتر «تفکر و تعمق» معنا ندارد.

این روند در شکل تعیین‌یافته‌اش بر تمام آدم‌های کشور چنگ زده و نیازمند تحولی بنیادین است؛ اما تا اصلاح این وضعیت چه باید کرد؟

زمانی «علی منتظری» سرپرست پیشین مرکز هنرهای نمایشی - برای افزایش بودجه‌ی تئاتر کشور، که آن موقع فقط در مرکز هنرهای نمایشی

بیشتر نمود داشت؛ پروژها و ساعت‌های بی‌شماری را در مجلس شورای اسلامی سپری کرد تا سرانجام بودجه‌ی سالانه‌ی تئاتر افزایش پیدا کرد. (۱۴) پس از

آن موفقیت نسبی، با بودجه‌ی واریز شده، انجمن‌ها و مراکز مختلف مانند: یونیم، کانون منتقدان، کانون تئاتر بانوان، کانون نمایش‌های سنتی / مذهبی،

تئاتر ملی و ... با همت «هنرمندان» تئاتر کشور سامان یافت؛ اما با کناره‌گیری

وی، همه چیز به هم ریخت؛ با این که بودجه بیشتر شد و چند مرکز دولتی دیگر نیز به کار تئاتر مشغول شدند و بودجه‌ی اختصاصی دیگری از سرانه‌ی

دولت به تئاتر اختصاص پیدا کرد؛ اما روز به روز کانون‌ها و محافل تئاتری

مشتت‌تر و نحیف‌تر شدند؛ در عوض اکثر تئاتری‌ها به دنبال «پول» همه‌جا را

گزر کردند. آن زمان هزار و یک مشکل وجود داشت؛ اما «عشق» به تئاتر همه چیز را حل می‌کرد. اکنون همان مشکلات وجود دارد؛ اما چیزکی

به نام «پول»، جای «عشق» را گرفته است. «حمید سمندریان» می‌گوید:

«آن موقع ما برای کار تئاتر مشکل زیاد داشتیم. مرحوم «فنی‌زاده» با کشف پاره از راه آهن تا تالار سنگلج می‌آمد. محمدعلی کشاورز از کرج به تهران می‌آمد و می‌رفت و ... سرانجام نمایش را با ۲۰ هزار تومان قرض گرفتن از پدرم راه می‌انداختم و آخرش هرچی تو سفره می‌موند - که اغلب هم ناچیز بود - میان هم تقسیم می‌کردیم.» (۱۵) [عشق در تقابل با پول]

فلان مسؤول در فلان پست تئاتری فلان وزارتخانه، سالیانه جشنواره‌ای را به‌پاره می‌اندازد تا از یک سو هم به‌وظیفه و پست سازمانی‌اش بپردازد و

خرداد ۱۳۷۵ شماره ۱ دوازدهم سال سوم

هم «پولکی» به جیب بزند و از سویی دیگر با جشنواره‌ای شدن تئاتر «ش» اوقات بیکاری و بطالت و مگس‌پرانی‌اش را در چند جای دیگر سر کند تا باز هم «پولکی» به دست آورد. فلان نویسنده و ... با به‌جان هم انداختن روشنفکر و غیرروشنفکر تئاتری، تیراژش را بالا می‌برد تا «پولی» به جیب بزند. فلان بازیگر برای آن که در کنار بازیگر دیگر قرار بگیرد، «پول» بیشتری درخواست می‌کند. فلان کارگردان با اجرای یک‌ماهه‌ی خود یک میلیون و اندی به جیب می‌زند و قرانی به بازیگران و عواملش نمی‌دهد؛ چرا که آنها را دانشجو و تجربه‌گر می‌داند! فلان تهیه‌کننده‌ی تئاتر تلویزیون رنج می‌زند و شصت هزار تومان بازیگرش را به‌دلیل داشتن ده دیالوگ، به‌هشت هزار تومان تقلیل می‌دهد تا «پولی» اضافه کسب کند. فلان مسؤول، همقطارش را وارد کاری، جشنواره‌ای یا ... می‌کند تا او نیز بعدها در صدد جبران برآید؛ نان قرض می‌دهند تا «پول» این معضل و مشکل دست و پاگیر به‌دست آید و ... (۱۶)

همه به دنبال سیر کردن شکم هستند! از این رو آموزشگاه خصوصی تئاتر تأسیس می‌کنند، وعده‌ی هنرپیشه‌شدن در سینما و تئاتر را تبلیغ می‌کنند و تعداد متقاضیان را بالا می‌برند، آزمون به‌راه می‌اندازند و از خیل عظیم متقاضیان با پیش‌پرداخت ۲۵۰۰ تومان، امتحان می‌گیرند و فقط ۲۰۰ نفر را می‌پذیرند و ...

مسیر اقتصادی تئاتر روز به روز بدتر می‌شود. بودجه‌ای از سرانه‌ی دولت به وزارتخانه‌ها واریز می‌شود و بدون هیچ برنامه‌ریزی اصولی از بین می‌رود. برنامه‌ریزی اصولی فقط جشنواره نیست! اگر هم بپذیریم جشنواره تنها راه نجات تئاتر است، باید به‌صورت اصولی به آن پرداخت، نه آنکه دو ماه مانده به‌زمان جشنواره، دفتر و دستکی به‌راه انداخت و سفره‌ای گستراند و ...

باید اول تئاتر داشت و بعد جشنواره‌ای به‌راه انداخت. مگر ما چند کارگردان و نویسنده‌ی تئاتر از جنس مؤنث داریم که جشنواره‌ای مجزا برای آنها برپا می‌شود؟ اول باید تئاتر زنان شکل بگیرد، بعد ...

بحث ما بر روی پول خراج کردن نیست. عده‌ای اساساً با این گونه حرکت‌ها مخالفند؛ اما ما بر این روند، مشروط بر برنامه‌ریزی صحیح و مداوم، صبحه می‌گذاریم. این که جشنواره‌ای یا تئاتری اجرا شود و بلافاصله پایان پذیرد و دیگر هیچ معقول نیست! پول ملت، حاصل خون مردم است. باید به آن ارجح بنهیم و به‌درستی از آن بهره‌برداری کنیم.

خوشبختانه بودجه‌ی اختصاص داده شده به تئاتر در سازمان‌ها، نهادها،

مرکز هنرهای نمایشی و ... خوب است و مسؤولان نسبت به دوره‌های پیش

(دوران رژیم سابق و دوران جنگ) به تئاتر توجه زیادتری داشته‌اند، اما استفاده‌ی مناسب از این بودجه‌ها به‌عمل نیامده و نمی‌آید. ساده‌ی خام و

اصلی تئاتر مهیاست؛ اما هیچ اقدام تولیدی مؤثری رخ نمی‌دهد. چرا باید بر

سر لیج و لجاجتی اداره کل استان تهران و مرکز هنرهای نمایشی، دو سال و

اندی تالارهای سنگلج، محراب و هنر تهران خالی باشد و تئاتری‌های مشتاق؛ له‌له بزنند! کی باید جواب بدهد؟ چرا جواب نمی‌دهند؟!

صد و اندی اداره تئاتری تهران و مسلماً تعداد دیگری در شهرستان‌ها (انجمن‌ها و ...) و همچنین دایره‌های نمایشی سایر مراکز، حقوق بگیر این

مملکت هستند. چه کسی یا چه کسانی باید در قبالی حقوق ارائه شده، از آنها بازخواست کند؟ در مملکتی که وزیرش، مورد بازخواست قرار می‌گیرد، تئاتری که جای خود دارد؛ هنرمند بودن، احساس، عواطف و ... همه در این

استیضاح پشیزی ارزش ندارد! بخشی از بودجه‌ی تئاتر کشور به‌عده‌ای تعلق

سینما تئاتر



دارد که فقط می آید و می روند و گاهی هم دفتری را برای رفع تکلیف امضا می کنند. چرا آقایی که به اصطلاح هنرمند شهیر و با سابقه ای ایران است، در حالی که خارج از ایران به سر می برد، باز هم حقوق بگیر این مملکت است؟! چرا آقایان و خانم هایی که اداره تئاتر پاتوقشان است و محل قرارهای مجموعه، سریال و فیلمشان، باید حقوق بگیر این کشور باشند؟ چرا کسی که حتی دو سال یک بار هم در یک تئاتر شرکت نمی کند، باید پول یا مفت به چنگ آورد؟

دو حالت وجود دارد:

۱- مسؤولان دوست دارند اوضاع تئاتر همین جور بگذرد و تئاتر به صورت اصولی شکل نگیرد.

۲- مسؤولان واقعاً خبر ندارند و ...

در هر دو صورت باید پاسخگو باشند و در قبال جامعه و مردم مسؤولند. هم اکنون هنرمندان و مسؤولان تئاتر در بحران «پول گرایی» غوطه ورند و تئاتر روز به روز به سوی اضمحلال پیش می رود.

\* \* \*

#### ■ چه باید کرد

این مشکل چنانچه بیشتر متذکر شدیم، بطئی و ریشه دار، اما سامان پذیر است. ما در نهایت دلسوختگی یا در نظر گرفتن تمامی جوانب سعی کردیم، بیانگر دیدگاه های مختلف، درباره ی تئاتر باشیم و سپس راه حل خود را نیز ارائه دادیم: «ایجاد شورای مشکل از هنرمندان و مسؤولان تئاتر کشور، راهی است که ما پیشنهاد می کنیم. یک کار این شورا پس از رفع مشکلات و معضلات تئاتر، به ویژه بخش تولید و جشنواره ها که جزو مهمترین بخشها هستند، رسیدگی به مسأله ی «پول» و بودجه ی تئاتر است. اگر چنین شورایی شکل بگیرد و از تمام اقشار تئاتری، عضوی در آن وجود داشته باشد، مشکلات، حداقل به نصف کاهش پیدا می کنند. همه چیز هماننگ و هم جهت پیش می رود و از سویی دیگر بودجه های تئاتر کشور که به بهانه های مختلف به مراکز، مؤسسات و ... واریز می شود، یک جا جمع می گردد و مسلماً تصمیم گیری آسان تر می شود. از طرفی دیگر این شورا، تمام تئاتر کشور را تحت نظارت و کنترل قرار می دهد و نظم جدیدی بر مجموعه ی تئاتر حاکم می شود. (دی ماه ۱۳۷۲)

#### ■ پانویس:

- ۱- جهت آگاهی بیشتر رجوع کنید به: ادبیات نمایشی در ایران - چشمتید ملک پور - ج اول - ۱۳۱۳ - توس
- ۲- جهت آگاهی بیشتر رجوع کنید به: الف: مجلات آدینه - شماره های ۹۹، ۹۸، ۹۷ و ۹۴. ب) روزنامه مشهوری - شماره های ۷۷۶ و ۷۷۵ - شهریور ۷۴. ج) روزنامه رسالت - سه شنبه ۲۲ شهریور ۷۴ - ص ۵.
- ۳- منظور از دولت فقط مرکز هنرهای نمایشی نیست. دانشگاه، حوزه هنری، نیروهای مسلح، هلال احمر و سایر نهادهایی که به کار تئاتر مشغولند و از طریق دولت هدایت می شوند، در این زمره می باشند.
- ۴- گفتگوی مهندس خوشرو، معاون هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در ویژه نامه ی سیزدهمین جشنواره ی سراسری تئاتر فجر.
- ۵- البته دولت هم حق دارد. پول می دهد، کار باب میل هم می خواهد!
- ۶- مجله آدینه، ش ۹۷ - ص ۱۳.
- ۷- مجله آدینه، ش ۹۷ - ص ۱۳.
- ۸- مجله آدینه، ش ۹۸ - ص ۱۱.
- ۹- صحنه تئاتر، شماره ی اول (اسفند ۵۹)، شماره ی دوم (فروردین و اردیبهشت ۶۰)
- ۱۰- پنج شماره از فصلنامه های تئاتر - سال ۲۵۳۷ و ۲۵۳۶
- ۱۱- قبل از انسجام مرکز هنرهای نمایشی، بخش وسیعی از تئاتر بعد از انقلاب، توسط این هنرمندان در اداره تئاتر هدایت می شد و همان موقع نیز این جا رو جنجالها وجود داشت. رجوع کنید به: ۹ و ۱۰.
- ۱۲- میستر، میراکل و مورالیت،
- ۱۳- وقتی از تئاتر سخن می گویم، تمامی کسانی که در این حیطه مشغول به کار می باشند، مدنظرمان است.
- ۱۴- اسناد و امضای نمایندگان مجلس و توافقاتی به عمل آمده، در مجله های نمایش چاپ شده است.
- ۱۵- گفتگوی دوستانه نگارنده با «حمید سنندریان» در جمع دانشجویان.
- ۱۶- مدارک لازم برای اثبات گفته های ذکر شده، موجود است.